

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: حجاب و عفاف؛ برنامه روشنا

عرض سلام دارم محضر بینندگان گرامی و دوستان بزرگوار؛

این که گفته می شود حجاب وابسته به دین خاصی نیست، بلکه یک ارزش انسانی است نه فقط اسلامی و حتی نه فقط ادیان توحیدی بلکه حتی ممکن است دین واره های ساخته شده دست بشر هم انسان ها و مخصوصا زن ها را دعوت به حجاب کنند و حتی عرف ها و ملت ها این که پدیده ای به نام حجاب داشته باشند ، نمیتوان این امر را انکار کرد.

اما این که گفته شود تمام انسان ها در طول تاریخ و حتی قبایل بدوی حجاب داشتند، مطلب درستی نیست؛ مگر این که ما بر کمترین پوشش اطلاق حجاب کنیم.

حجاب یک ارزش انسانی

اما ما روی این مقوله تاکید کنیم که حجاب یک مقوله انسانی است.

به این معنا که الزما نباید انسان مسلمان باشد یا متعلق به یکی از ادیان توحیدی باشد تا برای حجاب ارزش قائل باشد...

تا این حد می توانیم بپذیریم؛ حجاب عموما یک پدیده انسانی است؛ که عموما انسان ها داشتند ولی در حدود آن و گستره آن شکی نیست اختلافاتی دیده شده و می شود؛ حتی الان هم معتقدان به ادیان توحیدی نوع حجابی را که ما الان بیان میکنیم و آن را تبلیغ می کنیم، ندارند. ممکن است برخی شدیدتر معتقد باشند و برخی خفیف تر...

نتیجه می گیریم ، حجاب یک مقوله انسانی است و دامنه و گستره آن مقول به تشکیک است.

ما در موضوع حجاب گاه می خواهیم یک حکم صددر صد کلی صادر کنیم، قدری مشکل است و نیاز به کار میدانی عمیق دارد؛ هر چه جوامع به مدنیت و آگاهی نزدیک شدند، بیشتر حجاب را مراعات کردند ؛ در ایران باستان ممکن است حاکمیت مشکل داشته اما به دلیل مدنیت بالایی که وجود داشت، مقوله حجاب هم در جامعه به صورت جدی وجود داشت.

معرفت و فرهنگ بالا به این ها این امکان را داد که در واقع انسان بودگی آن ها شدیدتر شد ؛ و لذا به این مقوله هم توجه داشتند.

عموما انسان ها به تمدن و فرهیختگی که نزدیک شدند، به اصالت انسانی نزدیک شدند ، حجاب را بیشتر مراعات کردند و این امر صحیحی است.

بر این مبنا می توان چنین استنتاج کرد : هر خانمی که از حجاب فاصله می گیرد از انسان بودگی و از روح واصلت ارزشهای انسانی فاصله می گیرد.

حجاب و عفاف و مرزها و حدود

متأسفانه رابطه حجاب و عفاف یک مقدار از حالت علمی خود خارج شده است؛ و وقتی یک مساله از حالت علمی خود خارج می شود، هر کسی به خود این اجازه را میدهد که ورود کند، حالتی که همه می شوند: «همه دان این قضیه» و طبیعتاً نظریات متناقض بروز می کند؛ نظری هست که تاکید می کند بر مقوله عفاف؛ و برعکس یک رویه فکری هست که معتقد است باید بیشتر بر حجاب تاکید کرد تا عفاف...

اگر عفاف را به این معنا بگیریم؛ خود داری از آن چه ناشایست است؛ به این معنا عفت یک معنای وسیعی پیدا میکند؛ یعنی حتی عفت در کلام، عفت در رفتار را هم شامل میشود.

نکته ای را که دوست دارم در این برنامه محدود عرض کنم این که اسلام وقتی می آید روی عفاف تاکید می کند؛ خود اسلام عفیف است؛ پیامبر فارغ از پیامبری یک شخص عفیف است و حتی قبل از پیامبری ...

رهبران دینی اسلام، همه عفیف بودند، منتها این عفت را باید در یک قالبهای مخصوصی بیان کرد؛ یعنی در واقع عفت یک کیس است شاخص می خواهد تا کمی سازی شود؛ قانونگذار اسلام می آید این عفت را نهادینه سازی می کند در چند «کمیت» ...

یکی این که می گوید: زن و مرد مسلمان باید رابطه آن ها حساب شده باشد. یعنی به این شکل نباشد که زن یا مرد حریم نداشته باشند.

چرا گفته شده زن و مردی که خلوت کنند، سومی آن ها شیطان است؟ این امر در واقع یک بیانی از عفت است؛

اسلام برای زن، مادر بودن یا همسر بودن یا کارهای ضروری زنانه را برعهده داشتن بیشتر مطمح نظر دارد. اسلام قالبهایی دارد باعنوان تحریم تا مکروه کردن در روابط بین زن و مرد؛ این ها گزاره هایی است که باید مورد توجه واقع شود.

حجاب کتی شدن عفت است و پیامبری که می خواهد جامعه عفیف بسازد می آید این مؤلفه ها را قرار میدهد لذا می بینید فقهای ما در فقه به حجاب بیشتر از عفت توجه می کنند.

آیا این به آن معنا است که عفت در نظر آن ها غیر مهم بوده است؟

اسلام چه میکند؟ اسلام عفت را تاکید می کند حتی در صحبت کردن ... و می گوید اگر زنی صحبت می کند می گوید فلا یخضعن بالقول

در واقع حجاب کمی شدهی عفاف است؛

البته حجاب صرفا به حوزه پوشش خلاصه نمی شود؛ عفاف در کلام یا رفتار و ...

عفاف اگر در حوزه پوشش بیاید خود را در قالب حجاب نشان میدهد .

این که گفته شود پیامبر عفت را به جامعه مکی یا مدنی آوردند، این حرف صحیحی نیست؛ ولی به هر حال بسیار فاصله است بین آن چه هست و آن چه پیامبر می خواهد .. مثل سایر ارزشهای اخلاقی که اسلام در واقع به نوعی می آید و برای آن ها یک ردیف بودجه تعریف می کند، و دست این ارزشها را می گیرد و بالا می برد؛ در عفت هم پیامبر همین کار را می کند؛ گزارشهایی است که عفت در جامعه پیامبر هم وجود دارد اما زخمی است.

پیامبر دست عفت موجود در جامعه را اگر بسان یک انسان تصور کنیم، می گیرند و بالا می برند و در واقع برای جامعه اسلامی یک حد بالاتری از عفاف موجود را تعریف می کنند.

اسلام یک حدی برای اختلاط زنان و مردان تعریف می کند. یا در قالب تحریم یا در قالب کراهت ...

وقتی مطرح می کند زنان با آرایش بیرون نیایند، و آرایش خود را در معرض نامحرمان قرار ندهند این یک کار مرتبط با طلوع اسلام است.

امر ترویج عفاف و حجاب مستلزم یک فرایند تدریجی است و امری که شاخص این فرایند است، بیان آرام و قانع کننده و شفاف است؛ بطوری که مردم خود برای ترویج آن اقدام کنند.

همانند این آیه که قرآن می فرماید: * ليقوم الناس بالقسط *؛ کار به جایی باید برسد که مردم خود به قسط و عدل قیام کنند؛ بر همین اساس خود مردم هم باید به مرحله ای برسند که خود ليقوم الناس بالحجاب و العفاف ...

هنر پیامبر این است که روحی را در جامعه حاکم می کنند تا فردی که بنا هست حد بخورد خود به پیامبر می گوید: «طهرنی»؛ مرا پاکیزه کن.. این جا سه نکته هست؛

این که اولاً فرد با پای خودش آمده است.

بعد هم این که می گوید مرا پاک کن؛ طهرنی

نکته آخر: با این که می داند حد می خورد ولی صداقت بخرج میدهد و اصل عملی را که انجام داده است را بیان میکند تا اعمال خود را اصلاح و خود را تطهیر کند..

در واقع به نوعی اقلان سازی شده... یک نوع کار فرهنگی شده...؛ افراد خود خواستار رشد خود باشند نه این که به صورت سلبی قوانینی تحمیل شود.

پیامبر ویژگی هایی داشت که سبب می شد، هنجارها نهادینه شود؛ رفتار ساده زیستی و بدور از شوائب فخر آلود پادشاهان؛ مردم را جذب می کرد؛ بر همین اساس محبوبیت پیامبر تاحدی بود که اگر وضو می گرفت

یاران ایشان نمی گذاشتند حتی قطره ای آب آن وضو بر زمین برسد و بریزد و یا اگر ریش خود را اصلاح می کرد و یا ناخن میگرفت و ...

بگذریم از این که بعدها همین مردم چه کارها در حق اهل بیت همین پیامبر کردند!!

پیامبر بر مبنای این آیه : *یوم تشهد علیهم ارجلهم و ایدیهم* ... و یا *قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا قالوا نطقنا الله الذی انطق کل شیء* یعنی مبنا بر شفافیت سازی است که همه با هم شفاف و صادق باشند این گزاره ها را قرار بدهید در کنار لایه های تو در تو و گزاره های مبهم و غیر شفاف در جامعه و در روابط افراد؛ ببینید چقدر نتیجه و عملکردها متفاوت خواهد بود.

کاری که پیامبر انجام دادند کار بزرگ و سترگی بود؛ اما پیچیده نبود.

این که عفاف آمد و خود را در قالب پوشش نشان داد ، ممکن است برخی از فضاهای مطالعات ما باشد. ما وقتی وارد روایات اهل بیت علیهم السلام و متون فقهی می شویم، می بینیم برای ساحت‌های دیگر عفت هم حساب باز شده و کمی سازی شده

اما این که صرفاً بر امر حجاب تاکید میشود دلیل بر این نیست که اسلام یکجانبه به مسائل نگاه کند ، نه این امر به برخی اقتضائات زمانی بر میگردد در حالی که اسلام جامع نگاه می کند .

اسلام و شمولیت رعایت حجاب و عفاف

اما در خصوص این که چرا در خصوص بحث حجاب و عفاف بیشتر روی زنان تاکید می شود؛ باید گفت در بخش عفت این گونه نیست؛

قرآن هم مردان هم زنان را به عفاف دعوت میکند و منحصر به زنان نیست؛

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور گواه بر این مطلب است.

آن چه هست بحث پوشش بدن هست؛ در اسلام تاکید بیشتری بر پوشش بدن زن شده تا مرد و این شاید به اقتضای جنس زن برگردد؛ و این تبعیض به آن معنا که برخی در نظر دارند، نیست. اقتضای جنسیت زن هست..

دو سوال:

آیا در جوامع دیگر که طرز تفکر اسلامی نیست، آیا همان مقدار که مردان بدن خود را نمایان می کنند، زنان هم این کار را می کنند؟ موضوع دوم کارهایی که مردان برعهده دارند شاید اگر همان پوششی و مقداری را که زنان دارند ، همان مقدار هم مردان موظف باشند، قطعاً در حرج قرار میگیرند .

نهایتاً این که ما بگوییم راجع به شیوه و شکل و نوع و مقدار پوشش ، این اقتضائات و شرایط را دین دستور داده است.

نتیجه میگیریم که در بحث حجاب و عفاف مردان و زنان هر دو مکلفند.... از لحاظ شکل کار هم بر مردان گاهی اوقات سختگیری بیشتری شده تا زنان ...

حجاب مساله ما هست یا نیست؟

حجاب می تواند مساله ما باشد یا نباشد؛ با این توضیح...

بخشی از دین ما شریعت است؛ یک بخشی تاریخ است؛ اعتقادات است، اخلاق است... و در شریعت مطهر اسلام حجاب آمده است؛ طبیعتا شارع مقدس می خواهد این حجاب رعایت شود ؛ و عدم حجاب و برهنگی یک منکر است و این بحثی در آن نیست.

آدرس دهی موضوع حجاب در قرآن

و این که عده ای بیایند و بگویند کجای قران اشاره به حجاب دارد، باید آیات سوره احزاب و نور را برای آنان بخوانند....

به هر حال هر چه بتوان بیان کرد یک مساله و یک موضوع است.

بحث حجاب برای حاکم و حاکمیت تنها مساله نیست...

به هر حال مساله اساسی نیست البته این امر به معنای سبک انگاری آن هم نیست.

شکی نیست که حاکمیت باید معیشت معقول مردم برایش مساله باشد.

به دنبال معیشت بحث اشتغال مطرح میشود.

نبود فساد؛ نبود مافیا به اشکال مختلف و یا شفافیت ...خیلی مسائل شفاف سازی نمی شود و از آن عبور میشود ؛ عدم تبعیض؛ فاصله طبقاتی اقتصادی فاحش به گونه ای که خوراک یک روز حیوان یک خانواده مرفه و برخوردار به اندازه خوراک یک ماه یک خانواده باشد!! قطعاً اسلام با این شیوه ها فاصله دارد.

این که شایسته سالاری شود و هر کس هر جا مناسب است مناصب به او داده شود یا به کسی که منصبی داده شده شایسته آن کار باشد این میتواند از بسیاری معضلات جلوگیری کند.

امید و حضور حداکثری مردم ، عدم فرسایش مغزها ؛ ما یک بحث فرار مغزها داریم و یک بحث فرسایش مغزها را داریم. تمام این ها را یا آیه داریم یا روایت؛ این ها و توجه به این ها باید کارویژه حاکمیت باشد .

بنابراین این که گفته شود حجاب مساله نیست و آن را سبک انگاری کنیم ؛ به هر حال واجب الهی است؛ باید رعایت شود اما این که بشود تنها مساله ما، این امر اقناع نمی آورد ، بسیار مهم است نحوه و مقدمات و نوع گفتن و البته عملکردها در این باره

ما هر وقت در حاکمیت مشکل پیدا می کنیم زاویه شکست در این گونه مباحث خود را نشان میدهد .
وقتی انتخابات می شود با آرای زیر پنجاه درصد کسانی که دشمن ایران اند از این فضاها استفاده می کنند.
یک پدیده در ایران رخ داده و اختصاص به ایران هم ندارد؛ درامارات و عربستان هم هست و آن این که
شما مسلمان باش اما در مراودات آزاد باش!

مصریها مطلبی دارند می گویند: ما امت معتدلی هستیم ؛ نماز میخوانیم و روزه می گیریم ولی صدای موسیقی
ام کلثوم خواننده معروف را هم گوش می کنیم

این پدیده در ایران ما هم به گونه ای در حال رخ دادن است.

این طبیعتا نشانه بی دینی نیست؛ این هم که گفته شود مردم از دین بیزار شدند این گونه نیست...اما این
که بگوییم در این بخش دینداری ضعیف شده، حرف درستی است.

اما این نکته که برخی می گویند افرادی بی حجاب و فلان... دلهای پاکی دارند باید کوتاه آمد و نباید سخت
گرفت این در واقع یک نوع سوبسید و امتیاز دادن است. که صحیح نیست در مقابل هم یعنی آنتی تز این
جریان، این است که فرد را نفی و طرد کامل کرد که البته این هم صحیح نیست.

به نوعی افراط و تفریط در این موضوع صحیح نیست. اما باید مدیریت شود؛

مدیریت متضادنها

یعنی این که روحانیت ، رسانه و حاکمیت آن چه متضاد نماست را بتواند مدیریت کند.

و این یک ضرورت است.

این که حجاب یک مساله فردی و اجتماعی است ، بحثی نیست؛ چون هم ساحت شخصی و هم آثار و
ساحت اجتماعی دارد اما این که بگوییم حجاب یک مساله سیاسی و حکومتی بوده و پیامبر اکرم بر اساس
اقتضائات سیاسی آن را مطرح کرد این سخن درستی نیست؛ و این که این آیه در مدینه آمده دلیل بر سیاسی
بودن این امر نیست کما این که بسیاری از احکام هم آیات آن ها در مدینه آمد ...این که بگوییم آن چه از
آیات قرآن در مکه نازل شده الهی بوده و آن چه در مدینه نازل شده حکومتی بوده چنین نیست.

ممکن است دستوری مصلحت نباشد که همان ابتدا بیان شود ؛ بصورت تدریجی بیان می شود مثل حرمت
ربا و حرمت شراب...

حکم حجاب یک حکم حکومتی نیست؛ یک دستور الهی است ؛ در کنار نماز و روزه و حج ...

و نوع جبهه گیری ما در خصوص حجاب گاه به این نکته بر میگردد که دشمن گاه کار به نماز و روزه ما ندارد
اما در خصوص حجاب موضعگیری میکند. و چون می خواهند برنامه ریزی در این باره را کنترل کنند اهمیت
پیدا میکنند.

یک فرافکنی اشتباه

در خصوص موضوع حجاب ما یک اشتباه داریم و آن این که سهم نیروهای خارجی را در پدیده بی حجابی بزرگ می کنیم و سهم عوامل داخلی را کم رنگ تر می بینیم ..

من نمی خواهم بگویم عوامل خارجی نقشی ندارند این ساده اندیشی است اما این که بیاییم و بولدش کنیم و سهم عوامل داخلی را کم رنگ کنیم اشتباه است.

یک سوال

اگر دولت ما در برخی مباحث مثل اقتصاد موفق بود اگر اشتغال بود و فاصله طبقاتی هم نبود و مردم هم یک زندگی روان و ساده داشتند آیا ما همین وضعیت حجاب داشتیم؟!

مسئولین با نگاه سیاه نمایی و یا نگاه ساده اندیشانه نباید به این موضوع نگاه کنند.... یک نگاه منصفانه و بی طرفانه باید داشته باشند.

شکل حجاب؛ همان حالتی است که زمان پیامبر بوده؟ چگونه پوشش اطلاق حجاب می شود؟

گاه ممکن است حد معینی را برای آن ندانیم

و بگوییم آن چه را عرف حجاب میدانند یک حجاب دینی است.

و یا ممکن است بگوییم باید دید صدر اسلام به چه شکلی بوده باید همان حالت را پیاده کرد

خوشبختانه در این جا راجع به حجاب صدر اسلام بعد از نزول آیه قرآن، بیان روشنی مطرح شده ...

قران اول به مردان می گوید و بعد به زنان که نگاهتان را کنترل کنید:

*** قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَخْرُجْنَ عَلَيَّ جُيُوبَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِلْزَامِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَيَّ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ***

ای پیامبر، به مردان مؤمن بگو چشمان خود را از شرمگاه های دیگران فرو بندند و شرمگاه های خود را نیز از دید دیگران بپوشانند، که اگر فرمانشان دهی چنین کنند. این شیوه برای آنان پاکیزه تر و بالنده تر است. قطعاً خدا به آنچه می کنند آگاه است. و به زنان مؤمن نیز بگو چشمان خود را از شرمگاه های دیگران فروبندند و شرمگاه های خود را نیز از دید دیگران بپوشانند و زیبایی هایشان را جز آنچه خود نمایان است آشکار نسازند و اطراف مقنعه خود را بر سینه خویش بیندازند تا سینه شان را بپوشاند اگر به آنان بگویی

قطعاً چنین خواهند کرد. و زیبایی های خود را آشکار نسازند جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان همکیش خود یا بردگانی که مالک آنها شده اند یا مردان سفیھی که سرپرستی دارند و شهوت جنسی ندارند یا کودکان نابالغی که بر اندام خاص زنان چیرگی نیافته اند، و زنان نباید پاهایشان را بر زمین بکوبند تا زیورهایی که پنهان می دارند معلوم شود. ای مؤمنان، همگی با پیمودن راه خدا به سوی او باز گردید، باشد که سعادت‌مند شوید.

و یا آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب :

*يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا *

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است

جلابیب که جمع جلباب است به معنی لباس سرتاسری است...

یک چیزی مثل چادری که ما در ایران داریم

ما یک خمار داریم روسری ؛ پوشش سر و گردن و یک جلباب داریم پیراهن گشاد ولباس گشاد و سرتاسری..این میتواند در قالب چادر عربی یا ایرانی باشد....

شکل کلی حجاب همین بوده اما ممکن است اختلافاتی داشته است.

وضع حجاب مشخص است از صدر اسلام بوده است منتها عرف گاه تغییراتی اندک در آن داده است.

سوال این است که چقدر حاکمیت در این امر دخالت داشته است؟

حساسیت حضرات مثل حضرت امیر نسبت به عفت زنان داریم ؛ در سخنانی هست، امام فرمودند: چرا زنان به این شکل آزاد به بازارها می آیند و با مردان اختلاط می کنند اما این که گزارشی از امام علی علیه السلام و یا امام حسن علیه السلام در خصوص حجاب داشته باشیم و موضع گیری کرده باشند و یا اجبار کرده باشند، نداریم؛ اما این هم دلیل بر این ادعا نیست، بگوییم حجاب مهم نیست..یا این که حجاب واجب نیست.

موضوع دوم این است که اگر گزارشی از بی حجابی از صدر اسلام نداریم بحث این است که گزارشی هم از شل حجابی و بی حجابی هم نداریم.

به هر حال این که عدم حجاب یا بی حجابی در آن زمان، یک جریان باشد ما چنین گزارشی نداریم.

سوال: آیا ورود حاکمیت ؛ حکومت جمهوری اسلامی ایران یک حکم حکومی است یا یک امر الهی است ؟

این امر بستگی دارد به دلیلی که حاکمیت برای خود در این موضوع تعریف کرده باشد.

اصل اولی بر عدم ورود حاکمیت است

حاکمیت هر گاه بخواهد ورود به زندگی خصوصی افراد باید دلیل داشته باشد .

«عدم ولایت احدی بر احدی» یک اصل مسلم است

بستگی دارد حاکمیت چه دلیلی برای خود آورده که ورود کرده است.

اگر صحبت ها را ببینید این ها از باب نهی از منکر ورود می کنند که این یک منکر است و باید با این منکر برخورد کرد و دوم این که یک واقعه سیاسی است که از بیرون هدایت می شود باید مواظبت و برخورد کرد و برخی هم اضافه می کنند که این دروازه ای است برای ورود دشمنان که اگر دشمن از این زاویه موفق شد ، آن اقدامات بعدی را هم انجام خواهد داد ؛ این ادله ای را که این ها می آورند ، آمیختی است از آن چه اقتضا می کند حکم الهی باشد مثل نهی از منکر و حکم حکومتی (همان دلیل دوم و سوم) به این معنا: حاکمیت ما بر خود فرض میداند به عنوان حکم الهی و هم به عنوان واجب حکومی که قسیم واجب الهی است ، ورود کند.

صحبت بر این است که شکل کار باید متفاوت از این که هست باشد اگر در این باره می خواهیم موفق باشیم.

کسانی که الان دغدغه دینی دارند، به این شکلی که الان در جامعه وضعیت خاص وجود دارد، راضی نیستند...

اما سوال این است: رفتاری که بتواند هادی به منظور باشد و بهترین شکل نهی از منکر باشد، کدام است؟

کدام رفتار خوب است و کدام رفتار ممکن است کار را خراب تر کند؟

باید چند کار همزمان شروع شود؛ دولت جمهوری اسلامی باید نشان بدهد که در موضوعات دیگر هم که مردم مشکل دارند اهمیت قائل است و این را نشان دهد ؛ والا با این آمارهای کذابی فایده ندارد...واقعا آماری که واقعیت را نشان دهد ، بیان شود.

اگر آن آماري که گفته شده بود تا پایان سال یک میلیون مسکن ساخته خواهد شد و این کار شده بود و جوانان ما الان در آن خانه ها ساکن و سرزندگی خود بودند آیا ما الان این وضعیت را داشتیم؟!

باید مردم اقناع شوند و این عنصر مقدم بر دیگر عناصر است اما این امر مستلزم شروع همزمان چند برنامه از سوی دولت برای مردم است.